

تعامل آیین دادرسی کیفری کودکان و جرم‌شناسی بالینی: با تأکید  
بر لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان

**Interaction Between Juvenile Criminal Prosecution and  
Clinical Criminology: by Emphasizing Bill of Investigate  
Judicial Delinquency**

A. H. Niazpour ✉

✉ امیرحسین نیازپور

دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

**Abstract**

Rehabilitation offenders is the basis purposes of Juvenile criminal justice system, today's. However, Policy-makers use of different rehabilitatory tools especially juvenile delinquency personality case in stages of criminal process for available this purpose.

This case to entered in Juvenile criminal prosecution jurisdiction as the clinical criminology and however to be made available causes interaction between this two stream?

**چکیده:**

بازپروری بزهکاران امروزه از بارزترین هدف‌های نظام عدالت کیفری کودکان به شمار می‌رود. از این‌رو، سیاست‌گذاران جنایی برای دستیابی به این هدف از ابزارهای متعدد اصلاحی - درمانی به ویژه پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مراحل مختلف فرآیند کیفری استفاده می‌کنند.

این پرونده تحت تأثیر آموزه‌های جرم‌شناسی بالینی وارد گستره آیین دادرسی کیفری کودکان شده و نمونه‌ای از اسباب تعامل این دو شاخه به شمار می‌رود.

✉Corresponding author: Law faculty, shahid Beheshty university, Eveen, Iran.  
Tel: +9821-22431754  
Fax: +9821-22431680  
Email: [nia\\_a\\_h@yahoo.com](mailto:nia_a_h@yahoo.com)

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق  
تلفن: ۲۲۴۳۱۷۵۴ - ۰۲۱ دورنما: ۲۲۴۳۱۶۸۰ - ۰۲۱  
پست الکترونیک: [nia\\_a\\_h@yahoo.com](mailto:nia_a_h@yahoo.com)

This article is to study juvenile delinquency personality case in executive and judicial Stages of criminal process and international and national criminal policy by emphasizing judicial bill of to investigate juvenile delinquency.

**KeyWords:** Juvenile delinquency prosecution, clinical criminology, Juvenile delinquency, Rehabilitation offenders, personality case.

در این تحقیق تلاش شده است تا در دو قسمت، تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مراحل قضایی و اجرایی، فرآیند کیفری در گستره سیاست جنایی بین‌المللی و ایران با تأکید بر لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان مورد بررسی قرار گیرد. **کلیدواژه‌ها:** آیین دادرسی کیفری کودکان، جرم‌شناسی بالینی، کودکان بزهکار، بازپروری بزهکاران، پرونده شخصیت.

## مقدمه

حقوق کیفری کودکان (اطفال) شامل مجموعه قوانین و مقرراتی است که با رویکرد حمایتی از مسائل ماهوی و شکلی ناظر بر بزهکاری کودکان سخن می‌گوید. این شاخه، قوانین و مقررات مربوط به تعریف کودکان، وضعیت مسئولیت کیفری آنان، اصول و تدابیر مربوط به حقوق کیفری کودکان، نوع و میزان پاسخ‌های پیش‌بینی شده برای کودکان بزهکار، تشکیلات و تشریفات قضایی ناظر به آنان، چگونگی محاکمه و اجرای پاسخ‌های تعیین شده را مورد بررسی قرار می‌دهد. حقوق کیفری کودکان - که یکی از شاخه‌های تخصصی و فنی حقوق کیفری است - به دوگونه حقوق کیفری ماهوی و شکلی (آیین دادرسی کیفری کودکان) تقسیم می‌گردد (شاملو، ۱۳۸۶).

جرم‌شناسی دانشی است که با شناسایی علل و عوامل فردی و محیطی درصدد ارائه راهکارهای مناسب برای پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی و بازپروری مجرمان (پیشگیری از تکرار جرم) است. به دیگر سخن، این شاخه بزهکاری را به عنوان واقعیتی انسانی - اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌دهد تا از این رهگذر به چرایی بزهکار و بزه‌دیده شدن انسان‌ها و چرایی ارتکاب بزهکاری پاسخ دهد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵). جرم‌شناسی گونه‌های کاربردی متعددی دارد که در این میان جرم‌شناسی بالینی (بازپروری) با رویکردی اصلاحی - درمانی به دنبال دوباره اجتماعی کردن بزهکاران می‌باشد. جرم‌شناسی بالینی با پیدایش اندیشه‌های بنیان‌گذاران مکتب تحقیقی به ویژه باورهای سزار لمبروزو متولد شده و از آن پس موجبات تحولات متعددی در حقوق کیفری را فراهم آورده است (اردبیلی، ۱۳۸۶). این تأثیرگذاری بر حقوق کیفری عمدتاً به دو شکل نمایان شده‌اند: نخست این که حقوق کیفری کلاسیک از سزادمداری / سرکوبگری به سوی اصلاح‌مداری / درمان‌گری تغییر جهت داده، دوم

این‌که شاخه‌های جدیدی در گستره حقوق کیفری با رویکرد تخصصی و به منظور حمایت از پدیده‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای جدید به‌وجود آمده‌اند تا از این رهگذر به حمایت ماهوی و شکلی افتراقی از آن‌ها مبادرت ورزند<sup>۱</sup>. بنابراین، حقوق کیفری کودکان از رشته‌های حقوق کیفری است که تحت تأثیر مطالعات جرم‌شناسی بالینی و در راستای حمایت از حقوق کودکان بزهکار پدید آمده است (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۰). شاخه یاد شده در بعد ماهوی و شکلی از دستاوردهای جرم‌شناسی بالینی برای جرم‌نگاری، کیفرگذاری، آیین دادرسی و غیره بهره می‌گیرد. در این میان تعامل حقوق کیفری کودکان و جرم‌شناسی بالینی در بعد شکلی، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. زیرا نظام عدالت کیفری از رهگذر این شاخه درصدد اعمال پاسخ‌های اصلاحی - درمانی به کودکان بزهکار و در نتیجه پیشگیری از تکرار بزهکاری آنان است (سیگل، ۲۰۰۶). بدین ترتیب، دست‌اندرکاران عدالت کیفری برای پاسخ‌دهی درست، دقیق و عادلانه به کودکان بزهکار از بارزترین ساز و کار جرم‌شناسی بالینی یعنی پرونده شخصیت بزهکاران استفاده می‌نمایند. پرونده شخصیت بزهکاران تبیین‌کننده وضعیت فردی و محیطی مجرمان است تا با تشخیص مشکل آنان، تدابیر بالینی مناسب برای بازپروری بزهکاران اتخاذ گردد (نوربها، ۱۳۸۶). به دیگر سخن، تشکیل پرونده شخصیت بزهکاران به ویژه کودکان بزهکار، دست‌اندرکاران عدالت کیفری را با وضعیت فردی (مانند شرایط روحی و روانی) و محیطی (از جمله اوضاع و احوال تربیتی و خانوادگی) کودکان بزهکار آشنا کرده و آنان را به سوی گزینش روش‌های مناسب بالینی هدایت می‌کند. بنابراین، پرونده شخصیت کودکان بزهکار با الهام از دانش پزشکی در پنج مرحله به مطالعه و معاینه کودکان بزهکار، شناسایی مشکل آنان، تشخیص روش‌های اصلاح و درمان کودکان بزهکار، اجرای این روش‌ها و پیگیری آن‌ها می‌پردازد<sup>۲</sup>. تا از این رهگذر اسباب دوباره اجتماعی شدن آنان فراهم شود. به همین دلیل سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی در پرتو شماری از اسناد الزام‌آور و ارشادگر با پذیرش رویکرد اصلاحی - درمانی، دولت‌ها را به سوی اتخاذ تدابیر و اقدام‌های بازپذیرکننده، هدایت کرده‌اند<sup>۳</sup>. قواعد حداقلی چگونگی رفتار با زندانیان (۱۹۵۵) و پیمان‌نامه حقوق کودک (۱۹۸۹) نمونه‌هایی از این اسنادند (نیازپور، ۱۳۸۵).

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران نیز تا به امروز با پذیرش این رویکرد در مقررات فراتقنینی (قسمت دوم بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) و شماری از مقررات تقنینی و فروتقنینی بازپروری مجرمان را به رسمیت شناخته‌اند<sup>۴</sup>. هم‌چنین، نویسندگان مقررات یاد شده ابزارهای مناسب اصلاحی - درمانی از جمله پرونده شخصیت بزهکاران در فرآیند کیفری را برای دستیابی به هدف مذکور شناسایی کرده‌اند. تدوین‌کنندگان لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان نیز از رهگذر شماری از مواد این لایحه مانند مواد ۱۵ و ۲۲ ضرورت تشکیل این پرونده به‌منظور اصلاح و درمان کودکان بزهکار را مورد توجه قرار داده‌اند. در این تحقیق جایگاه تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله قضایی و تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار

در مرحله اجرایی در اسناد بین‌المللی، مقررات و لوایح قضایی - کیفری ایران با رویکردی تحلیلی و انتقادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله قضایی

مرحله قضایی دربرگیرنده اقدام‌های دست‌اندرکاران عدالت کیفری از کشف بزهکاری تا اجرای حکم کیفری است. در مرحله یاد شده دست‌اندرکاران عدالت کیفری با بررسی همه جنبه‌های بزهکاری مانند اوضاع و احوال وقوع جرم، شدت جرم واقع شده و وضعیت روانی مجرمان، درصد پاسخ‌دهی به بزهکاران می‌باشند. تشکیل پرونده شخصیت مجرمان در مرحله مذکور نقش مؤثری در چگونگی برخورد دستگاه عدالت کیفری با آنان ایفاء می‌کند. به همین دلیل تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی از رهگذر تدوین سیاست‌ها و مقررات متعدد تشکیل پرونده مذکور در این مرحله را برای بزهکاران به ویژه کودکان بزهکار به رسمیت شناخته‌اند.

**تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله پیش از صدور حکم:** مرحله پیش از صدور حکم شامل مجموعه اقدام‌هایی است که از سوی دست‌اندرکاران عدالت کیفری مانند ضابطان دادگستری، دادیاران و بازپرسان برای کشف بزهکاری، پیگرد متهمان و تحقیق از آنان انجام می‌شود. در این مرحله مقام‌های پلیسی و قضایی با استفاده از روش‌های مختلف به دنبال شناسایی بزهکاری، بازجویی نخستین از مظنونان، گردآوری دلایل بزهکاری و حفظ آثار آن، جلوگیری از فرار و پنهان شدن متهمان و پیگرد آنان از رهگذر تنظیم و صدور کیفرخواست می‌باشند (آشوری، ۱۳۷۹). بدین ترتیب، مرحله پیش از صدور حکم دربرگیرنده آن دسته از اقدام‌های دستگاه عدالت کیفری است که به منظور آماده‌سازی پرونده کیفری و فرستادن آن نزد دادرسان انجام می‌پذیرد. تشکیل پرونده شخصیت بزهکاران به ویژه برای کودکان بزهکار در این مرحله - که بنیان‌های آراء کیفری در آن پایه‌ریزی می‌شود - تأثیر به‌سزایی بر تعیین سرنوشت پرونده کیفری دارد. زیرا مقام‌های عدالت کیفری بر اساس این پرونده می‌توانند در خصوص چگونگی صدور قرار تأمین کیفری مناسب، مصالحه/سازش کیفری از جمله تعویق و تعلیق پیگرد، معامله اتهام با بزهکاران به‌گونه‌ای درست، دقیق و عادلانه تصمیم‌گیری کنند (کلمنت، ۲۰۰۲).

به همین دلیل سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی و ملی در پرتو شماری از اسناد و مقررات، تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در این مرحله را مورد توجه قرار داده‌اند. در گستره سیاست جنایی بین‌المللی تدوین‌کنندگان اسناد متعدد الزام‌آور و ارشادگر از جمله نویسندگان قواعد حداقل سازمان ملل متحد در زمینه اقدام‌های غیر سالب آزادی (۱۹۹۰) از رهگذر قسمت ۳ بند ۲ و قسمت ۱ بند ۵ به تشکیل این پرونده برای اتخاذ تدابیر اصلاحی - درمانی مناسب در مرحله پیش از صدور حکم اشاره کرده‌اند (عباچی، ۱۳۸۰). هم‌چنین تدوین‌کنندگان این سند در پرتو بندهای یاد شده

ضرورت تشکیل پرونده شخصیت این دسته از بزهکاران را به دست‌اندرکاران عدالت کیفری ملی یادآور شده‌اند.

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ملی نیز تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله مزبور را مورد شناسایی قرار داده‌اند.<sup>۵</sup> در این میان سیاست‌گذاران جنایی ایران در نظام تقنینی گذشته از رهگذر ماده ۷ قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار (۱۳۳۸) تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله پیش از صدور حکم را پذیرفته بودند. بر اساس این ماده «چنان‌چه تحقیقاتی درباره وضع مزاجی یا روحی طفل یا ابوبین او یا وضع خانوادگی طفل و معاشرت او لازم [بود]، دادگاه اطفال [می‌توانست] تحقیقات مزبور را خود یا به هر وسیله‌ای که مقتضی [می‌دانست] انجام دهد و یا نظر اشخاص صلاحیت‌دار را جلب کند». پیداست که تدوین‌کنندگان این قانون از رهگذر تبصره این ماده استفاده از مددکاران اجتماعی - دارای گواهی‌نامه آموزشگاه خدمات اجتماعی - را برای انجام تحقیقات و شناسایی درست و دقیق جنبه‌های مختلف شخصیت کودکان بزهکار ضروری می‌پنداشتند. نویسندگان قانون یاد شده به موجب ماده مذکور در کنار اشاره ضمنی به تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله پیش از صدور حکم برای شناسایی وضعیت جسمی، روانی، خانوادگی، اجتماعی و غیره کودکان بزهکار، دادگاه‌ها را به سوی استفاده از مددکاران اجتماعی در فرآیند تشکیل این پرونده راهنمایی کرده بودند (صلاحی، ۱۳۵۵). بنابراین، مقام‌های قضایی بر پایه عبارت مزبور می‌توانستند به صورت موردی پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله پیش از صدور حکم را تشکیل دهند.

در نظام تقنینی امروز، تدوین‌کنندگان قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری، ۱۳۷۸) با تکرار عبارت یاد شده در قانون پیش، تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در این مرحله را در ماده ۲۲۲ پذیرفته‌اند. با این تفاوت که نویسندگان ماده مذکور از یک‌سو در پایان این ماده از عبارت «نظر اشخاص خبره» به جای «نظر اشخاص صلاحیت‌دار» استفاده کرده‌اند و از سوی دیگر با نادیده انگاشتن تبصره ماده مزبور ساز و کار تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار و چگونگی شناسایی جنبه‌های مختلف شخصیت آنان را با ابهام روبه‌رو ساخته‌اند. زیرا با کنارگذاری تبصره مذکور این پرسش مطرح می‌شود که در وضعیت کنونی گردآوری اطلاعات مربوط به جنبه‌های فردی و محیطی شخصیت کودکان بزهکار و بررسی آن‌ها باید از سوی چه افرادی انجام شود؟

بر اساس این ماده تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله پیش از صدور حکم به صورت ضمنی و بدون پیش‌بینی ابزار مناسب برای شناسایی شخصیت این دسته از بزهکاران مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، ملاحظه می‌شود که تشکیل پرونده یاد شده در مرحله پیش از صدور حکم در نظام تقنینی گذشته و امروز ایران به شکل ضمنی به رسمیت شناخته شده است.

تدوین‌کنندگان لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان نیز از رهگذر ماده ۱۵ به ضرورت شناسایی شخصیت کودکان بزهکار در این مرحله اشاره نموده‌اند. بر پایه ماده مذکور تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در این مرحله به طور ضمنی به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان واگذار شده است. بدین‌سان، نهادهای مزبور می‌توانند در شماری از جرم‌ها «... با ملاحظه شخصیت، منش، وضع اجتماعی و تحصیلی متهم و اوضاع و احوال وقوع جرم تعقیب کیفری را ... حسب مورد موقوف یا ... معلق [نمایند]».

پیدااست که نویسندگان لایحه یادشده در پرتو ماده ۱۵ به صورت ضمنی تشکیل پرونده مذکور را برای اتخاذ تصمیم در زمینه تعلیق یا موقوفی پیگرد کودکان بزهکار مورد پذیرش قرار داده‌اند. بنابراین، تدوین‌کنندگان لایحه مزبور نیز مانند نویسندگان قوانین یادشده تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله پیش از صدور حکم را به طور ضمنی پذیرفته‌اند.

### تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله صدور حکم: مرحله صدور حکم شامل

مجموعه اقدام‌های دادرسان برای رسیدگی به رفتارهای مجرمانه و اتخاذ تصمیم درخصوص آن‌ها می‌باشد. به دیگر سخن، این مرحله دربرگیرنده اقدام‌های مقام‌های قضایی در زمینه محاکمه مجرمان و پاسخ‌دهی به آنان است (گلدوست جویباری، ۱۳۸۶). در این مرحله دادرسان بر اساس اطلاعات گردآوری شده در مرحله پیشین به صدور حکم و اتخاذ تدابیر مناسب با وضعیت پرونده کیفری مبادرت می‌ورزند.

دادرسان در مرحله صدور حکم در زمینه چگونگی مسئولیت مرتکبان، کیفیت دلایل مورد استناد، نوع و میزان پاسخ‌ها و تناسب آن‌ها با شخصیت بزهکاران تصمیم‌گیری می‌کنند (آخوندی، ۱۳۷۹). بنابراین، در مرحله مذکور سرنوشت پرونده کیفری از سوی مقام‌های قضایی تعیین می‌شود. به همین دلیل تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی بین‌المللی و ملی از رهگذر شماری از اسناد و مقررات تشکیل پرونده شخصیت بزهکاران به ویژه برای کودکان بزهکار در این مرحله را به صورت صریح یا ضمنی مورد توجه قرار داده‌اند. نویسندگان برخی از اسناد بین‌المللی الزام‌آور و ارشادگر از جمله پیمان حقوق کودک (۱۹۸۹) از طریق بند ۴ ماده ۴۰، قواعد حداقل سازمان ملل متحد در زمینه عدالت کیفری کودکان (۱۹۸۵) به موجب قسمت الف بند ۳ ماده ۲، مواد ۵ و ۱۶ و قسمت الف بند ۱ ماده ۱۷ و قواعد حداقل سازمان ملل متحد در زمینه اقدام‌های غیر سالب آزادی (۱۹۹۰) از رهگذر ماده ۷ تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله صدور حکم را به رسمیت شناخته‌اند. مطابق مواد مذکور به دست‌اندرکاران عدالت کیفری ملی الزام یا سفارش شده است تا از رهگذر تشکیل پرونده مذکور در خصوص روش‌های پاسخ‌دهی به کودکان بزهکار تصمیم‌گیری شود. در گستره سیاست جنایی ایران، تدوین‌کنندگان قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار (۱۳۳۸) بر اساس مواد ۶، ۷، ۱۷ و ۱۸ به طور ضمنی تشکیل پرونده یاد شده در این مرحله را پذیرفته بودند.

نویسندگان این قانون از یک سو با توجه به نبود جداسازی میان نهادهای پیگرد، تحقیق و رسیدگی از رهگذر ماده ۶، تشکیل پرونده مذکور در مرحله صدور حکم را مطابق ماده ۷ به تشخیص مقام‌های قضایی واگذار کرده بودند و از سوی دیگر با پیش‌بینی پاسخ‌های متعدد در مواد ۱۷ و ۱۸ و گزینش آن‌ها از سوی دادگاه‌ها «برحسب مورد» تشکیل این پرونده در مرحله صدور حکم را ضروری می‌پنداشتند. زیرا دادگاه‌ها بر پایه پرونده مزبور می‌توانستند با شناسایی جنبه‌های مختلف شخصیت این دسته از بزهکاران آن هم «برحسب مورد» در زمینه نوع و میزان پاسخ‌های پیش‌بینی شده در مواد مذکور تصمیم‌گیری کنند.

بدین ترتیب، تدوین‌کنندگان این قانون از رهگذر شماری از مواد تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله صدور حکم را به طور ضمنی به رسمیت شناخته بودند. همین سیاست به شکل تعدیل یافته‌ای از سوی نویسندگان قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری، ۱۳۷۸) دنبال شده است. آنان به دلیل نبود دادرسی در آن هنگام و پیگیری همه اقدام‌های مربوط به مراحل مختلف فرآیند کیفری از جمله مرحله پیش از صدور حکم و صدور حکم توسط دادگاه‌ها تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله‌های مزبور را به طور ضمنی در ماده ۲۲۲ قانون مذکور مورد پذیرش قرار داده‌اند. از این‌رو، دادگاه‌ها مطابق ماده یاد شده می‌توانند در مرحله صدور حکم به تشکیل این پرونده مبادرت ورزند اما با احیاء دادرسی در سال ۱۳۸۱ و تأکید بر تشکیل دادرسی اختصاصی اطفال مطابق بند الف ماده ۴ آیین‌نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (۱۳۸۱) و بنابراین جداسازی مراحل پیش از صدور حکم (دادسرا) از مرحله صدور حکم (دادگاه) چگونگی تشکیل پرونده مذکور با ابهام روبه‌رو شده است.

تدوین‌کنندگان لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان نیز با پیش‌بینی دادرسی در کنار دادگاه اطفال و جداسازی مراحل مختلف فرآیند کیفری تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله صدور حکم را از رهگذر مواد متعدد مانند مواد ۲۲، ۳۳، ۳۴، ۳۹ و ۴۳ پیش‌بینی کرده‌اند (جمشیدی، ۱۳۸۲). بر اساس ماده ۲۲ لایحه یادشده «هرگاه دادگاه اطفال و نوجوانان تحقیقاتی را در مورد وضع جسمانی و روانی طفل یا نوجوان یا والدین او و همچنین وضع خانوادگی و محیط معاشرت او لازم بدانند، تحقیقات مذکور را خود یا با جلب نظر متخصصان یا مددکاران اجتماعی یا اشخاص صلاحیت‌دار انجام خواهد داد. در این صورت دادگاه با توجه به تحقیقات انجام شده یا نظریات رسیده تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند». بنابراین، دادسرا و دادگاه‌های اطفال به موجب ماده مذکور در صورت تمایل می‌توانند با استفاده از مددکاران اجتماعی و دیگر متخصصان، در راستای تشکیل پرونده شخصیت این دسته از بزهکاران به منظور شناسایی درست و دقیق جنبه‌های فردی و محیطی آنان گام بردارند (مهر، ۱۳۸۵). با وجود این، تشکیل پرونده مذکور در مرحله صدور حکم

مطابق تبصره این ماده «در جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان می‌باشد یا مجازات قانونی آن سه سال یا بیش از سه سال حبس است انجام تحقیقات مذکور در این ماده الزامی است». نویسندگان لایحه مذکور با «رویکردی جرم‌مدار» تشکیل پرونده شخصیت را برای کودکان مرتکب جرم‌های شدید الزامی دانسته‌اند تا با تصویب این لایحه در دستگاه تقنینی تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار دست‌کم برای نخستین بار در برخی از مرحله‌های فرآیند کیفری و دادگاه‌ها جنبه اجباری پیدا کند. بنابراین، ملاحظه می‌شود که در نظام تقنینی گذشته و امروز ایران تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله‌های پیش از صدور حکم و صدور حکم به طور ضمنی پذیرفته شده است. با وجود این، با تصویب لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دستگاه تقنینی، به نظر می‌رسد سیاست جنایی ایران در زمینه تشکیل این پرونده در مرحله قضایی با تغییراتی مواجه گردد. بدین صورت که سیاست جنایی ایران مطابق شماری از مواد لایحه مذکور به ویژه تبصره ماده ۲۲ تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در برخی از مراحل فرآیند کیفری الزامی می‌شود.

**تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله اجرایی:** مرحله اجرایی دربرگیرنده مجموعه اقدام‌های مجریان عدالت کیفری در زمینه اجرای حکم کیفری و پیگیری آثار تدابیر اجرا شده در فرآیند کیفری است. از این‌رو، دست‌اندرکاران عدالت کیفری در این مرحله با رویکردی اجرایی پاسخ‌های تعیین شده در برابر بزهکاری را اجرا کرده و به نظارت بر وضعیت مجرمان پس از رهایی از کیفر مبادرت می‌ورزند. مقام‌های نهادهای عدالت کیفری در مرحله مزبور از یک‌سو به دنبال تحمیل حکم کیفری بر مجرمان و از سوی دیگر درصدد مراقبت از بزهکاران پس از اجرای پاسخ‌های عدالت کیفری می‌باشند. بدین‌سان، تشکیل پرونده شخصیت بزهکاران به ویژه کودکان بزهکار در این مرحله نقش مؤثری در بازپروری آنان ایفاء می‌کند. زیرا تشکیل این پرونده در مرحله یاد شده مجریان عدالت کیفری را از رهگذر شناسایی جنبه‌های فردی و محیطی شخصیت کودکان بزهکار به سوی اجرای درست و دقیق تصمیم‌های قضایی و اتخاذ «تدابیر حمایتی - مراقبتی» هدایت می‌نماید. بنابراین، تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله مزبور بسترهای بازپذیری اجتماعی آنان را فراهم می‌کند. به همین دلیل تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی بین‌المللی و ملی تشکیل این پرونده در مرحله اجرایی را از طریق اسناد و مقررات متعدد شناسایی کرده‌اند. در ادامه وضعیت و ضرورت تشکیل پرونده یاد شده در مرحله مذکور مورد بررسی قرار می‌گیرد:

**تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله اجرای حکم:** مرحله اجرای حکم شامل مجموعه اقدام‌های دست‌اندرکاران عدالت کیفری است که در زمینه اجرای پاسخ‌های پیش‌بینی شده در برابر بزهکاری به‌کار می‌گیرند. به دیگر سخن، در این مرحله روش‌های تعیین شده برای اصلاح و درمان مجرمان از جمله کودکان بزهکار بر آنان اجرا می‌شود. تشکیل پرونده شخصیت



این دسته از مجرمان در مرحله مزبور نقش به‌سزایی در انطباق روش‌های تعیین شده با نیازهای فردی و محیطی کودکان بزهکار و بازسازی اجتماعی آنان ایفاء می‌کند. از این‌رو، تشکیل پرونده مذکور در مرحله اجرای حکم در شماری از اسناد بین‌المللی و مقررات ملی ناظر به کودکان بزهکار مورد توجه قرار گرفته است.

### تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در هنگام اجرای پاسخ‌های سالب آزادی:

پاسخ‌های سالب آزادی دربرگیرنده آن دسته از ضمانت اجراهای نظام عدالت کیفری در برابر بزهکاری است که به محرومیت بزهکاران از آزادی می‌انجامد. به دیگر سخن، پاسخ‌های سالب آزادی یعنی هرگونه حبس یا قرار دادن بزهکاران در محیط‌هایی که بیرون رفتن آنان از این مکان‌ها تنها از طریق دستوره‌های مقام‌های قضایی و دیگر مقام‌های رسمی امکان‌پذیر باشد.<sup>۷</sup> بدین ترتیب، بزهکاران با اجرای پاسخ‌های سالب آزادی نخست، برای مدت معین یا نامعین از سوی جامعه طرد می‌شوند، دوم، از خطرهای ناشی از انتقام‌جویی بزه‌دیدگان مصونیت پیدا می‌کنند و سوم، از رهگذر برنامه‌های اصلاحی - درمانی به سوی باز اجتماعی شدن هدایت می‌گردند (صفاری، ۱۳۸۵).

این پاسخ‌ها معمولاً با هدف بازپروری مجرمان از طریق نهادهای زندان و کانون اصلاح و تربیت کودکان بزهکار اجرا می‌شوند. بنابراین، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی با پیش‌بینی و تأسیس کانون اصلاح و تربیت کودکان بزهکار، بازپروری این دسته از بزهکاران و هم‌نوایی آنان با هنجارهای اجتماعی را مورد توجه قرار داده‌اند. کودکان بزهکار بر پایه شماری از اسناد بین‌المللی الزام‌آور و ارشادگر و ماده ۲۲ قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار (۱۳۳۸) مواد ۲۲۰ و ۲۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری، ۱۳۷۸)، ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی سازمان کانون اصلاح و تربیت (۱۳۴۷)، ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (۱۳۸۴) و مواد ۳۲، ۳۳ و ۴۸ لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان برای تحمل پاسخ‌های سالب آزادی به کانون اصلاح و تربیت فرستاده می‌شوند. تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت - که درصدد بازپروری این دسته از مجرمان است - از اساسی‌ترین ابزارهای اصلاحی - درمانی به شمار می‌رود. از این‌رو، سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی از رهگذر بند ج ماده ۳۷ پیمان حقوق کودک (۱۹۸۹) و مواد ۱۹ تا ۳۰ قواعد سازمان ملل متحد در زمینه حمایت از کودکان محکوم به پاسخ‌های سالب آزادی (۱۹۹۰) به طور صریح و ضمنی به تشکیل این پرونده در مرحله اجرای پاسخ‌های سالب آزادی اشاره کرده‌اند. تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران نیز از رهگذر مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار (۱۳۳۸)، ماده ۲۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری، ۱۳۷۸) و مواد ۸ و ۱۳ آیین‌نامه اجرایی سازمان کانون اصلاح و تربیت (۱۳۴۷) به طور ضمنی بر تشکیل این پرونده در مرحله مزبور تأکید ورزیده‌اند. مطابق این مقررات دست‌اندرکاران عدالت کیفری با مطالعه جنبه‌های مختلف شخصیت

کودکان بزهکار و فردی کردن روش‌های اجرای پاسخ‌های سالب آزادی ناظر بر آنان می‌توانند به شکل دقیق‌تر زمینه‌های باز اجتماعی شدن این دسته از مجرمان را فراهم نمایند. به دنبال این سیاست تدوین‌کنندگان لایحه یاد شده نیز به طور صریح و ضمنی تشکیل این پرونده در هنگام اجرای پاسخ‌های سالب آزادی را پیش‌بینی کرده‌اند. از این‌رو، دست‌اندرکاران کانون اصلاح و تربیت بر اساس مواد ۳۴، ۴۸، ۴۹ و ۵۰ مکلف شده‌اند برای فردی کردن روش‌های اجرایی این پاسخ‌ها (فردی کردن سیاست‌های اجرای ناظر به پاسخ‌ها) و تجدیدنظر کاهش‌مدار در میزان آن‌ها (فردی کردن سیاست‌های قضایی ناظر به پاسخ‌ها) پرونده مزبور را در مرحله اجرای پاسخ‌های سالب آزادی تشکیل دهند. در نتیجه، تدوین‌کنندگان لایحه مذکور از طریق به رسمیت شناختن تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در این مرحله، فردی کردن روش‌های اجرای پاسخ‌های سالب آزادی را مورد توجه قرار داده‌اند تا از رهگذر آن فرآیند بالینی این دسته از بزهکاران در مرحله مزبور به شکل دقیق‌تر ادامه یابد.

### تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در هنگام اجرای پاسخ‌های غیرسالب آزادی:

پاسخ‌های غیرسالب آزادی شامل مجموعه ضمانت‌اجراهایی است که سیاست‌گذاران جنایی بدون محروم کردن بزهکاران از آزادی و با استفاده از روش‌های محدودکننده آزادی درصدد پاسخ‌دهی به بزهکاری می‌باشند. به دیگر سخن، ضمانت‌اجراهای محدودکننده آزادی با اجرای برنامه‌های اصلاحی - درمانی در محیط باز به دنبال بازپروری مجرمان هستند (دانش، ۱۳۸۱). این دسته از ضمانت‌اجراها امروزه به عنوان نسل چهارم مجازات‌ها و در ادامه جنبش کیفرزدایی و زندان‌زدایی مطرح شده و مورد توجه شماری از تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی قرار گرفته‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶). بدین ترتیب، سیاست‌گذاران جنایی برای کنارگذاری عیب‌های پاسخ‌های سالب آزادی<sup>۷</sup> و تأثیرگذاری بیشتر پاسخ‌های سیاست جنایی بر مجرمان به استفاده از پاسخ‌های غیرسالب آزادی در برابر بزهکاری گرایش نشان داده‌اند. بنابراین، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی بین‌المللی با توجه به دستاوردهای نوین جرم‌شناسی، پیدایش جنبش‌های زندان‌زدایی و پیامدهای منفی پاسخ‌های سالب آزادی اسناد الزاور و ارشادگر متعددی از جمله ماده ۱۹ قواعد حداقل سازمان ملل متحد در زمینه عدالت کیفری کودکان (۱۹۸۵) را در راستای هدایت سیاست‌گذاران جنایی ملی در این خصوص تدوین نموده‌اند (امیر ارجمند، ۱۳۸۱). تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران نیز از رهگذر شماری از مقررات، سیاست‌ها و رویه‌ها جلوه‌های سنتی و نوین پاسخ‌های غیرسالب آزادی را وارد گستره سیاست جنایی ایران کرده‌اند. در نظام تقنینی گذشته مقام‌های قضایی بر اساس برخی از بندهای مواد ۱۷ و ۱۸ قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار (۱۳۳۸) می‌توانستند بر پایه پرونده شخصیت کودکان بزهکار (یعنی اوضاع و احوال وقوع جرم، وضعیت روانی بزهکاران، پیشینه کیفری آنان و غیره) نسبت به تسلیم این دسته از مجرمان به پدران - مادران، سرپرستان قانونی و سرزنش و

سفارش قضایی آنان تصمیم‌گیری نمایند. اما در نظام تقنینی امروز این سیاست از رهگذر ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) تا اندازه زیادی تغییر کرده است. بدین‌صورت که مطابق ماده یاد شده به ویژه تبصره ۲ آن سپردن کودکان بزهکار به پدران - مادران، سرپرستان قانونی و تنبیه بدنی آنان به عنوان پاسخ‌های غیرسالب آزادی ناظر به بزهکاری کودکان شناسایی شده است. پیداست که سیاست‌گذاران جنایی بدون توجه به کنارگذاری کیفرهای بدنی از گستره سیاست جنایی بین‌المللی ناظر به بزهکاری کودکان هم‌چنان دادگاه‌ها را به سوی استفاده از این‌گونه مجازات برای پاسخ‌دهی به کودکان بزهکار راهنمایی می‌نمایند. با وجود این، شماری از دادرسان از دهه ۷۰ خورشیدی تحت تأثیر گفتمان دانشگاهی، آموزه‌های جرم‌شناسی بالینی و اسناد بین‌المللی و با استفاده از بسترهای تقنینی از یک سو سیاست جنایی قضایی ایران در زمینه بزهکاری کودکان را متحول کرده‌اند و از سوی دیگر زمینه‌های تدوین مقررات سازگار با موازین جرم‌شناختی، حقوق بشری و بین‌المللی را فراهم نموده‌اند (خواججه‌نوری، ۱۳۸۲). بدین‌ترتیب، این دسته از دادرسان بر اساس اصول بنیادین حقوق کیفری از جلوه‌های سنتی ضمانت اجرای غیرسالب آزادی برای پاسخ‌دهی به بزهکاری کودکان استفاده کرده‌اند.

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی قضایی نیز به دنبال این جنبش در صدد تدوین لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان برآمده‌اند. این لایحه در قسمت ب فصل دوم و برخی از مواد فصل سوم جلوه‌های سنتی و نوین پاسخ‌های غیرسالب آزادی را به رسمیت شناخته است. بدین‌سان، با تصویب نهایی این لایحه دادگاه‌ها می‌توانند کودکان بزهکار را به ضمانت اجرای غیرسالب آزادی مانند معرفی آنان به مددکاران اجتماعی، روان‌شناسان و دیگر متخصصان و انجام خدمات عمومی از جمله کار در مراکز نگهداری معلولان و سالمندان محکوم نمایند.

از این‌رو، سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی از رهگذر بند ۴ ماده ۴۰ پیمان حقوق کودک (۱۹۸۹) و بند ۲ ماده ۹ قواعد حداقل سازمان ملل متحد در زمینه اقدام‌های غیرسالب آزادی (۱۹۹۰) به صورت ضمنی تشکیل پرونده مذکور در این مرحله را مورد توجه قرار داده‌اند. در گستره سیاست جنایی ایران نیز تدوین‌کنندگان قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار (۱۳۳۸) و مقررات کنونی ناظر به کودکان بزهکار از جمله قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله یاد شده را تنها هنگام اجرای پاسخ‌هایی مانند تعلیق اجرای کیفر این دسته از مجرمان از رهگذر شماری از مواد مانند تبصره ماده ۲۹ و ماده ۳۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) پیش‌بینی کرده‌اند. بدین‌ترتیب، بر اساس مقررات کنونی تشکیل پرونده شخصیت این دسته از مجرمان در مرحله مزبور تنها در صورت تعیین پاسخ‌هایی مانند تعلیق اجرای کیفر و آزادی مشروط امکان‌پذیر می‌باشد (نجفی‌ایرندآبادی، ۱۳۸۴).

افزون بر این، نویسندگان لایحه یاد شده از رهگذر تبصره ۲ ماده ۳۳ و ماده ۴۴ تشکیل این پرونده در مرحله مزبور و هنگام اجرای پاسخ‌های غیرسالب آزادی پیش‌بینی کرده‌اند. مطابق این مواد مقام‌های قضایی می‌توانند پس از دریافت گزارش مددکاران اجتماعی در خصوص چگونگی تحمل پاسخ‌های غیرسالب آزادی نسبت به وضعیت آن‌ها دوباره تصمیم‌گیری نمایند. بدین ترتیب، نویسندگان این لایحه با اشاره ضمنی به تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار، فردی کردن روش‌های اجرای پاسخ‌ها و در نتیجه بازپروری این دسته از مجرمان را مورد توجه قرار داده‌اند.

**تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله پس از اجرای حکم:** مرحله پس از اجرای حکم شامل آن دسته از اقدام‌هایی است که دست‌اندرکاران عدالت کیفری به منظور مراقبت از بزهکاران پس از رهایی از کیفر به کار می‌گیرند. به دیگر سخن، در این مرحله مجریان عدالت کیفری با مراقبت بزهکاران و نظارت بر رفتار آنان پس از تحمل کیفر درصدد تکمیل فرآیند بالینی مجرمان و به هم‌نوا سازی آنان با هنجارهای اجتماعی می‌باشند. از این‌رو، مراقبت بزهکاران پس از تحمل مجازات به ویژه پس از اجرای پاسخ‌های سالب آزادی بر رفع مشکلات مادی، روانی - عاطفی، معنوی مجرمان و کاهش احتمال گرایش دوباره آنان به بزهکاری تأثیرگذار است (نیازپور، ۱۳۸۵). مراقبت کودکان بزهکار و پیگیری آثار برنامه‌های اصلاحی - درمانی اجرا شده بر آنان نیز نقش به‌سزایی در بازگشت آنان به زندگی سالم اجتماعی ایفاء می‌کند. بنابراین، تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله مذکور به دست‌اندرکاران عدالت کیفری کمک می‌کند تا در صورت ایجاد اختلال در فرآیند بالینی این دسته از بزهکاران درصدد برطرف کردن آن‌ها برآیند. از این‌رو، تدوین‌کنندگان برخی از اسناد بین‌المللی از جمله ماده ۱۰ قواعد حداقل سازمان ملل متحد در زمینه اقدام‌های غیرسالب آزادی (۱۹۹۰) دولت‌ها را به سوی تدوین مقررات، رویه‌ها و سیاست‌های ملی در زمینه تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله پس از اجرای حکم هدایت نموده‌اند. در گستره ملی نیز سیاست‌گذاران جنایی ایران در نظام تقنینی گذشته تشکیل این پرونده در مرحله پس از اجرای حکم را به شکل محدود پذیرفته بودند. مطابق ماده ۲۸ آیین‌نامه اجرایی سازمان کانون اصلاح و تربیت (۱۳۴۷) «مدیر کانون اصلاح و تربیت موظف [بود] ۱۵ روز قبل از تاریخ مقرر برای آزادی اطفالی که به حکم دادگاه در کانون نگاهداری می‌شوند مراتب را به اطلاع انجمن حمایت زندانیان برساند تا بخش مربوط به اطفال در انجمن مزبور طفل را تحت مراقبت قرار داده و تسهیلات لازم را از نظر وضع شغلی و تحصیلی و استقرار مجدد وی در اجتماع فراهم سازد». پیداست که نویسندگان این آیین‌نامه تنها مراقبت از محکومان به پاسخ‌های سالب آزادی و در نتیجه تشکیل پرونده شخصیت این دسته از مجرمان در مرحله پس از اجرای حکم را به رسمیت شناخته بودند. در نظام تقنینی امروز تشکیل این پرونده در مرحله مذکور به دلیل نبود قانون ویژه در زمینه بزهکاری کودکان با ابهام روبه‌رو شده است. با وجود این، بر اساس آیین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج (۱۳۷۸) تشکیل

پرونده یاد شده برای مراقبت از بزهکاران محکوم به پاسخ‌های سالب آزادی امکان‌پذیر می‌باشد. بدین ترتیب، مطابق مقررات کنونی تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله مزبور تنها در زمینه مراقبت از محکومان به ضمانت اجراهای سالب آزادی به رسمیت شناخته شده است. تدوین‌کنندگان لایحه یاد شده نیز مانند نویسندگان مقررات پیشین با وجود این‌که در شماری از مواد، تشکیل این پرونده در مراحل قضایی و اجرای حکم را پذیرفته‌اند اما به نظر می‌رسد تشکیل پرونده مذکور در مرحله پس از اجرای حکم را به دیگر مقررات ناظر به آن از جمله آیین‌نامه مزبور واگذار کرده‌اند. این اقدام نویسندگان لایحه مزبور از ایراد مبری نیست. زیرا از یک سو لایحه یاد شده با رویکردی افتراقی در راستای حقوق کیفری شکلی ناظر به کودکان بزهکار تدوین شده است. از این‌رو، در پرتو آن باید همه جنبه‌های مربوط به آیین دادرسی کیفری کودکان از جمله تشکیل پرونده مزبور در مرحله پس از اجرای حکم مورد توجه قرار گیرد و از سوی دیگر واگذاری بنیان‌های تقنینی تشکیل پرونده شخصیت این دسته از مجرمان به آیین‌نامه مزبور - که فقط به تشکیل این پرونده در مرحله مزبور برای رهاشدگان از پاسخ‌های سالب آزادی اشاره کرده و احتمال تغییر آن در هر هنگام است - تا اندازه زیادی تشکیل آن را با تزلزل روبه‌رو کرده است. بدین‌سان، پیش‌بینی تشکیل آن در مرحله یاد شده از رهگذر قانون پایه‌های آن را استوارتر می‌سازد.

#### نتیجه

بازپروری بزهکاران به ویژه اصلاح و درمان کودکان بزهکار امروزه از بارزترین هدف‌های نظام عدالت کیفری به شمار می‌رود (غلامی، ۱۳۸۲). از این‌رو، سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی و ملی از رهگذر اسناد و مقررات متعدد با پذیرش این هدف به الزام یا ارشاد مقام‌های قضایی برای اتخاذ تدابیر مناسب در خصوص اجرای هدف یاد شده مبادرت ورزیده‌اند. بازپروری بزهکاران به ابزارهای متعددی نیاز دارد که در این میان تشکیل پرونده شخصیت مجرمان در مراحل مختلف فرآیند کیفری به ویژه برای کودکان بزهکار نقش به‌سزایی در بازپروری این دسته از بزهکاران و دستیابی تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی به هدف یاد شده ایفاء می‌نماید (درونز، ۲۰۰۰). زیرا پرونده مذکور با شناساندن جنبه‌های مختلف شخصیت کودکان بزهکار به دست‌اندرکاران عدالت کیفری و معرفی مشکلات این دسته از مجرمان (علل و عوامل وقوع بزهکاری کودکان) آنان را به سوی اتخاذ تدابیر بالینی مناسب هدایت می‌کند. در گستره سیاست جنایی ایران تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار از رهگذر شماری از مقررات کیفری ناظر به این دسته از مجرمان به‌طور ضمنی مورد توجه واقع شده است. تدوین‌کنندگان لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان نیز با وجود تأکید بر آموزه‌های جرم‌شناسی بالینی و به رسمیت شناختن آن‌ها در لایحه مانند نویسندگان پیشین مقررات

کیفری ناظر به بزهکاری کودکان در راستای اتخاذ سیاست انقباضی در زمینه تشکیل پرونده شخصیت این دسته از مجرمان گام برداشته‌اند.

زیرا تدوین‌کنندگان این لایحه تشکیل پرونده مذکور در مراحل قضایی و اجرایی جز در خصوص مرتکبان جرم‌های در صلاحیت دادگاه کیفری استان را به صورت ضمنی و غیرالزامی پیش‌بینی کرده‌اند. به‌گونه‌ای که مقام‌های قضایی در صورت تمایل می‌توانند به تشکیل این پرونده مبادرت ورزند (خواجانه‌نوری، ۱۳۸۸). بنابراین، با توجه به این‌که تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار اسباب متناسب کردن پاسخ‌های سیاست جنایی با نیازهای این دسته از مجرمان را فراهم می‌کند، بازبینی لایحه مذکور در این زمینه پیش از تصویب نهایی از سوی دیگر تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در مرحله پس از اجرای حکم را نادیده انگاشته‌اند. بنابراین، با توجه به این‌که فرآیند کیفری دربرگیرنده مرحله قضایی و اجرایی ناظر به پاسخ‌دهی به بزهکاری (یعنی از مرحله کشف بزهکاری تا مرحله مراقبت بزهکاران پس از تحمل مجازات) است، تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار در این مراحل دست‌اندرکاران عدالت کیفری را به سوی اتخاذ تدابیر بالینی مناسب و در نتیجه بسترسازی برای بازپروری این دسته از مجرمان هدایت می‌کند. بدین‌سان دستگاه تقنینی باید هنگام تصویب این لایحه تشکیل پرونده مذکور در همه مراحل فرآیند کیفری به ویژه مرحله پس از اجرای حکم - که نقش مؤثری در اصلاح و درمان بزهکاران دارد - را مورد توجه قرار دهد. ملاحظه می‌شود که تشکیل پرونده شخصیت کودکان یکی از بارزترین جلوه‌های تعامل آیین‌دادرسی کیفری کودکان و جرم‌شناسی بالینی است و از این‌رو، تدوین‌کنندگان لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان از رهگذر شماری از مواد تشکیل آن در برخی از مراحل، فرآیند کیفری را پذیرفته‌اند. با وجود این، اگرچه امروزه در پرتو اسناد بین‌المللی و همگرایی سیاست جنایی کشورها با یکدیگر در زمینه پاسخ‌دهی به کودکان بزهکار می‌توان از «جهانی شدن حقوق کیفری کودکان» سخن گفت، رفع چالش‌های این لایحه پیش از تصویب در دستگاه تقنینی در زمینه تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار اسباب تعامل بیشتر دو شاخه یاد شده را فراهم می‌کند.

## یادداشت‌ها

۱. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: نجفی ابرآبادی، علی‌حسین، تعامل جرم‌شناسی و حقوق کیفری، [ادیباچه در] سوتیل، کیت و دیگران، شناخت جرم‌شناسی، ترجمه میرروح‌الله صدیق بطحایی، انتشارات دادگستر، چاپ نخست، ۱۳۸۳، از ص ۱۳ تا ص ۲۰.
۲. افزودنی است که شماری از اندیشمندان علوم جنایی جرم‌شناسی بالینی را دارای سه مرحله (معاینه بزهکار، تشخیص مشکل مجرم و اتخاذ تصمیم برای پیشگیری از تکرار جرم) می‌پندارند. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید

به: گسن، رمون، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، انتشارات علامه طباطبایی، چاپ نخست، ۱۳۷۰، از ص ۵۸ تا ص ۶۷.

۳. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، انتشارات گرایش، چاپ نخست، ۱۳۸۲، از ص ۳۹ تا ص ۴۸.

۴. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: طاهایی نژاد، سیدعلیرضا، پیشگیری از بزهکاری و اصلاح مجرمین در حقوق ایران، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.

۵. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: گلدوست، جویباری، رجب و سید اصفهانی، حسام‌الدین، مرحله پیش از محاکمه در دادرسی ویژه نوجوانان، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۹، ۱۳۸۳، از ص ۲۸۸ تا ص ۲۹۰.

۶. در این زمینه ماده ۲۲۱ قانون یادشده مقرر می‌نماید: «در جرائم اطفال رسیدگی مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق... توسط دادرس و یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق انجام می‌گیرد. دادگاه کلیه وظایفی را که برابر قانون بر عهده ضابطین می‌باشد رأساً به عمل خواهد آورد».

۷. بند ب ماده ۱۱ قواعد سازمان ملل متحد در زمینه حمایت از کودکان محکوم به پاسخ‌های سالب آزادی ۱۹۹۰ میلادی.

## منابع

آشوری، م. (۱۳۷۹). آیین دادرسی کیفری. جلد دوم. تهران: انتشارات سمت.  
آخوندی، م. (۱۳۷۹). آیین دادرسی کیفری. جلد چهارم. تهران: انتشارات اشراق.  
اردبیلی، م. (۱۳۸۶). پرونده شخصیت. (نشست علمی - تخصصی). خبرنامه انجمن ایرانی جرم‌شناسی (منطقه شرق کشور)، ۱.

امیرارجمند، ا. (۱۳۸۱). مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر. جلد نخست. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.  
جمشیدی، ع. (۱۳۸۲). گفتمان سیاست جنایی در لایحه قضایی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان. مجله حقوقی دادگستری، ۴۵.

خواجه‌نوری، ی. (۱۳۸۲). تحولات سیاست جنایی ایران پس از الحاق به کنوانسیون حقوق کودک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی. تهران.

خواجه‌نوری، ی. (۱۳۸۸). جلوه‌های دادرسی عادلانه در حقوق کیفری کودکان؛ میزان انطباق لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان با پیمان حقوق کودک. در: نجفی ابرندآبادی. ع. ح. (زیر نظر). مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی. تهران: بنیاد حقوقی میزان.

شاملو، ب. (۱۳۸۶). حقوق بزهکاری اطفال (۲). دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی. تهران.

دانش، ت. (۱۳۸۱). مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟. تهران: انتشارات کیهان.

صفاری، ع. (۱۳۸۵). کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی). تهران: انتشارات جنگل.

صلاحی، ج. (۱۳۵۵). اخذ تصمیم درباره کودکان و نوجوانان و ناسازگار. تهران: انتشارات گوتنبرگ.

عباچی، م. (۱۳۸۰). حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

کوشا، ج. (۱۳۸۶). پرونده شخصیت. (نشست علمی - تخصصی). خبرنامه انجمن ایرانی جرم‌شناسی (منطقه شرق کشور)، ۱.

گلدوست جویباری، ر. (۱۳۸۶). کلیات آیین دادرسی کیفری. تهران: انتشارات جنگل.

- مهرا، ن. (۱۳۸۵). قوانین و مقررات کیفری ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار: حال و آینده. مجله الهیات و حقوق دانشگاه علوم رضوی، ۲۰.
- نجفی ابرندآبادی، ع.ح. (۱۳۸۰). از حقوق کیفری تا حقوق کیفری صغار. دیپاچه در: عباچی، مریم. حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- نجفی ابرندآبادی، ع.ح. (۱۳۸۴). زندان: درمانگاه بزهکاری و بزهکاران؟. دیپاچه در: بولک، برنار. کیفرشناسی. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- نجفی ابرندآبادی، ع.ح. و غلامی، ح. (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی آموزش و پژوهش جرم‌شناسی در ایران. مجله الهیات و حقوق دانشگاه علوم رضوی، ۲۰.
- نجفی ابرندآبادی، ع.ح. (۱۳۸۶). مجازات‌های جامعه‌مدار در لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان. در: مجموعه مقاله‌های همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- نوربها، ر. (۱۳۸۶). زمینه جرم‌شناسی. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- نیازپور، ا.ح. (۱۳۸۵). بازپروری بزهکاران در مقررات ایران. مجله فقه و حقوق، ۱۱.

- Clement, Mary. J.(2002). The Juvenile Justice System. Butterworth HeineMann. Second Edition.
- Drowns, Robert.w. and Hess, Karen. M. (2000). Juvenile Justice. Thomson Wadsworth. Third Edition.
- Sigle, Larry. J. (2006). Criminology. Thomson Wadsworth. Second Edition.
- Jones, Stephen. (2006). Criminology. Oxford university press. Third Edition.
- Hale, Chris and others. (2005). Criminology. Oxford university press. First Edition.